

ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد پایداری اجتماعی (نمونه موردی: محله امیر عرب)

الهام ناظمی^۱

عضو هیات علمی گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

nazemielham@yahoo.com

لاله کیکاوس نژاد

دانشجوی کارشناسی رشته شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

lalehkaikavoosi@yahoo.com

چکیده

در سال‌های اخیر و در دهه‌ی آخر قرن بیستم واژه پایداری اجتماعی به عنوان یکی از اصول اساسی توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفت و به رسمیت شناخته شد. افراد جامعه به عنوان سرمایه‌های انسانی و اجتماعی نقش اساسی را در توسعه پایدار دارند.

بر این اساس و با توجه به این نکته که پایداری اجتماعی یکی از ارکان اصلی و از رئوس اصلی توسعه پایدار محسوب می‌گردد، تصمیم گرفته شد این مبحث را به صورت مجزا و فارغ از دیگر رئوس توسعه پایدار مورد پژوهش قرار دهیم. لذا در این مقاله ابتدا با شناخت مفاهیم بافت‌های فرسوده، به تفصیل به بررسی پایداری اجتماعی و جایگاه پایداری اجتماعی در محله‌ی امیر عرب می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، پایداری اجتماعی، بافت فرسوده، سرمایه انسانی

^۱ -نویسنده مسئول

۱- مقدمه:

کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه، در برهه‌ای از زمان با پدیده افزایش جمعیت شهرنشینی مواجه بوده و یا خواهند بود. کشورهای در حال توسعه که غالباً در دهه‌های اخیر با این پدیده روبرو شده‌اند، با مشکلات بیشتری در این عرصه مواجه هستند (Sorensen, 2000, 51-73)، همگام با افزایش جمعیت، شهرنشینی و تمرکز صنایع، سرمایه‌ها، امکانات و خدمات شهری رشد کرده و شهرهای بزرگ به کلان شهرهای کنونی تبدیل شده و مشکلات جبران ناپذیری برای بشر پدید آمده است (موسوی و باقری کشکولی، ۱۳۹۱: ۹۶). از مهم‌ترین پیامدهای چنین روند شهرنشینی در کنار عدم تامین زیر ساخت‌های مناسب شهری برای ساکنین و مهاجرین شهرها، به وجود آمدن بافت‌های نامنظم و فرسوده پیرامون شهری و درون شهری است که معضلات متعدد اجتماعی فرهنگی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. (Enemark, 2004, 26-27). بافت‌های فرسوده شامل محدوده‌هایی است که به واسطه کیفیت خاص فضایی، شرایط اجتماعی، ایمنی در برابر سوانح و بهره‌مندی اندک از خدمات عمومی، موضوع فعالیت ویژه شهرداری‌ها قرار گرفته و سازمان نوسازی به عنوان متولی آن تعیین شده است. با عنایت به سطوح وسیع بافت‌ها و قبول این که دولت و شهرداری به تنهایی توان تصدی و اجرای عملیات نوسازی بافت‌ها را ندارند، لازم است با اتخاذ تمهیداتی نسبت به جلب مشارکت موثر مردم در فرآیند نوسازی بافت‌های فرسوده اقدام گردد (منصوری، ۱۳۸۵: ۴۲).

طی دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه پایدار به عنوان چارچوبی برای تبیین و شناخت مدیریت منابع طبیعی و روند توسعه اقتصادی، اجتماعی در سطح جهان مطرح شده است؛ بطور آشکار، بهبود کیفیت زندگی برای کسانی که امروزه در شرایطی نابرابر و فقر زندگی می‌کنند و نیز برای جمعیتی که طی سال‌های آتی به سکونتگاه‌های بشری افزوده می‌شود، مستلزم پی‌ریزی و پیگیری مسیر رشد و توسعه‌ای است که ضمن ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جوامع انسانی، مسائل زیست محیطی و نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی را بطور توأمان و یکپارچه مطمح نظر قرار داده و اساساً ضد فقر باشد، چنین رهیافتی در ادبیات نوین توسعه به عنوان "توسعه پایدار" شناخته شده است. در دو دهه اخیر مفهوم پایداری اجتماعی به یکی از مدل‌های جدید توسعه در آمده و با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی و سیاسی توسعه ترکیب شده است. مولفه‌هایی که آن‌ها را «ابعاد» و یا «پایه‌های» توسعه پایدار می‌نامند. در حقیقت مباحث مربوط به توسعه پایدار، در ابتدا صرفاً معطوف به مسایل محیط زیست بود و پس از آن توجه به مسایل اقتصادی نیز در آن گنجانده شد. در اواخر دهه‌های ۱۹۹۰ بود که موضوعات اجتماعی در دستور کار مباحث مربوط به پایداری مورد توجه قرار گرفت. با توجه به این که بافت‌های فرسوده شهری علاوه بر معضلات کالبدی، دارای مشکلات و ناپایداری‌هایی در خصوص مسائل اجتماعی می‌باشند و از آنجا که یکی از مهم‌ترین ابعاد ایجاد توسعه پایدار در هر فضایی ایجاد پایداری اجتماعی در این فضاهاست، لذا تصمیم گرفته شد در این پژوهش به ساماندهی بافت فرسوده شهری با رویکرد پایداری اجتماعی پردازیم.

۲- بیان مسئله:

امروزه بافت‌های کهن شهری به دلیل مواجهه با انواع مسائل و مشکلات و بحران‌ها به یکی از چالش‌های اساسی پیش روی مدیران و برنامه ریزان شهری به ویژه در کشورهای جهان سوم تبدیل شده است و کشور ما هم از این قاعده مستثنی نیست. در بسیاری از مواقع طرح‌های نوسازی با مقاومت‌های اجتماعی از سوی ساکنان روبه رو می شود که هزینه‌های اجرایی این طرح‌ها را نیز افزایش داده است. بدین ترتیب، عدم صرفه اقتصادی برای سرمایه گذاران و اثرات نوسازی بر بافت اجتماعی- اقتصادی محلات و شهر موجب شده تا جریان نوسازی که در ابتدا با مداخلات گسترده دولتی بر محلات فرسوده تحمیل می گشت، به تدریج به سمت برنامه ریزی مشارکتی و استفاده از سرمایه‌های اجتماعی محلات متمایل شود. از جمله موضوعاتی که در سال‌های اخیر وارد مطالعات شهرسازی شده است و در مداخلات ضرورت گرفته و در بافت‌های ناکارآمد شهری چندان به آن پرداخته نشده، مقوله پایداری اجتماعی است. از آن جا که بی توجهی به استراتژی مناسب در حوزه مسائل اجتماعی، توفیق در نوسازی بافت را به کلی سلب می کند، لازم است در ساماندهی بافت‌های فرسوده در انطباق با شرایط خاص محله به ویژگی‌های مهمی نظیر پاسخ گویی به نیازهای برآمده از فرسودگی اجتماعی ساکنان که در پیوند با فرسودگی کالبدی است توجه داشت و نایستی از نقش و اهمیت مشارکت مردم در پیش برد اهداف نوسازی بافت‌های فرسوده غفلت ورزید و عوامل اجتماعی را که اصلی ترین عناصر برنامه ریزی در این گونه طرح‌ها به شمار می آیند فراموش کرد. لذا بنابر اهمیت این موضوع در این پروژه، به ساماندهی بافت فرسوده با رویکرد پایداری اجتماعی در محله‌ی امیر عرب به عنوان مطالعه‌ی موردی پرداخته شده است.

۳- اهداف:

۱. ارائه راهکارهایی جهت ساماندهی بافت فرسوده محله امیر عرب با رویکرد پایداری اجتماعی ۲. توسعه‌ی دانش ساماندهی بافت فرسوده شهری به منظور ارتقا پایداری اجتماعی محلات ۳. بهره گیری از مشارکت مردمی ساکنان با توجه به ظرفیت‌های سرمایه‌های اجتماعی موجود در محله‌های فرسوده، برای یاری رساندن به جریان ساماندهی.

۴- روش تحقیق:

این مقاله از نوع تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای می باشد.

۵- تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری

۵-۱- مفهوم فرسودگی و بافت فرسوده:

هنگامی که حیات و رونق شهری در محدوده‌ای از شهر به هر علتی دچار افول می‌گردد، بافت شهری آن محدوده رو به فرسودگی می‌نهد. پدیده فرسودگی در بافت‌های شهری بر کالبد بافت و همچنین فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن تأثیرگذار است. فرسودگی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بافت، یکدیگر را در روابط متقابل، تشدید می‌کنند و موجب رکود حیات شهری و تنزل شدید کیفیت زیست شهری می‌گردند. بافت فرسوده، محدودهای از شهر یا منطقه است که به دلیل قدمت و یا عدم استحکام ساختمان‌ها، فقدان زیرساخت‌های مناسب و محدودیت‌های کالبدی مانند شبکه معابر کم عرض و دانه بندی کوچک با بی‌ثباتی و تنزل کیفیت‌های محیطی مواجه است و بهسازی و نوسازی آن از طریق مداخله در بافت ضرورت دارد.

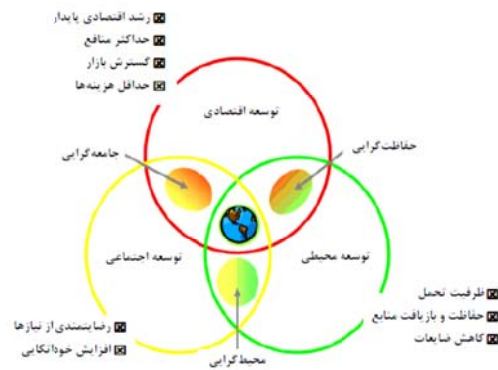
۵-۲- فرآیند شکل‌گیری بافت فرسوده:

هر بافت تاریخی در شهر را می‌توان بافت فرسوده دانست، ولی هر بافت فرسوده، بافت تاریخی نمی‌باشد لذا دامنه شمول بافت تاریخی بیشتر از بافت فرسوده است و بافت تاریخی می‌تواند بافت فرسوده را در بر بگیرد. (شماعی، ۱۳۸۰: ۶۴). پس بر همین اساس، بافت‌های کهن شهری و روستایی کشور نماد فرهنگ و تمدن ایران زمین، اسنادی از تاریخ، نمودهای محسوس هویت و تجربه نیاکان ما محسوب می‌شوند. این بافت‌ها در برگزیده ارزش‌های معماری و شهرسازی و هویت ملی، نمایانگر خاطرات قومی و آثاری متعلق به تمامی نسل‌های حاضر و آینده کشور است که در عین حال جایگزین ناپذیر نیز هستند (سرتیپی پور، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

۵-۳- توسعه پایدار:

توسعه پایدار، رویکردی جامع به بهبودبخشی کیفیت زندگی انسان‌ها در جهت تحقق رفاه اقتصادی، اجتماعی و محیطی سکونتگاه‌های انسانی است (Torjman، ۲۰۰۰، ۲). در این معنا توسعه پایدار فرایندی است که با سازماندهی و تنظیم رابطه انسان و محیط و مدیریت بهره‌برداری از منابع و محیط زیست، دستیابی به تولید فزاینده و مستمر، زندگی مطمئن، امنیت غذایی، عدالت و ثبات اجتماعی و مشارکت مردم را تسهیل می‌کند. در فرایند توسعه پایدار، اهداف اجتماعی و اقتصادی و محیطی جامعه در هر جا که ممکن است از طریق وضع سیاست‌ها، انجام اقدامات لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می‌شوند (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵، ۲۱). توسعه پایدار دارای سه بعد اقتصادی و اجتماعی و محیطی است. در این معنا تعامل هماهنگ و یکپارچه‌ای میان ابعاد توسعه پایدار، به مثابه ارزش واحدی با عنوان گلدان پایداری وجود دارد. توسعه زمانی پایدار است که از نظر اقتصادی ماندگار باشد، از نظر اجتماعی مقبول و از نظر محیطی درست زیرا هر فعالیتی که به وسیله انسان‌ها انجام می‌گیرد (اجتماعی) غالباً

به انگیزه سود و درآمد است (اقتصادی) که در طبیعت و با استفاده از منابع طبیعی صورت می پذیرد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵، ۲۴).



(تصویر شماره ۱: ابعاد توسعه پایدار (منبع: jean-paul rodrigue, 2009, 2))

۵-۴- پایداری اجتماعی:

یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار همانا پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. در ابتدا مسایل اقتصادی و محیط زیست در مباحث توسعه پایدار غلبه داشتند. در حالی که موضوعات اجتماعی از اواخر سال‌های ۱۹۹۰ بود که در دستور کار مباحث توسعه پایدار قرار گرفت. دلیل اصلی آن این بود که توسعه پایدار از طریق ترکیب جنبش‌های محیط زیست در سال‌های ۱۹۶۰ و ترویج انسان در سال‌های ۱۹۷۰ به وجود آمد. اما از آن جایی که سنجش ابعاد اجتماعی توسعه با مشکل « نیازهای اولیه » دیدگاه اندازه گیری مواجه بود، نوشته‌ها و بررسی‌های اندکی وجود دارد که بر پایداری اجتماعی متمرکز شده باشد، تا حدی که خلأ مطالعه جامع در این مورد هنوز احساس می شود.

در سال‌های اخیر، پایداری اجتماعی یکی از موضوعات مهم گفتگوهای سیاسی دولت‌های غربی شده است. نتیجه این اتفاق، تلاش برای تعریف موضوعات مرتبط با این مفهوم است. به طور مثال؛ در گزارشی که در میزگرد شورای اروپا درباره توسعه پایدار ارائه شد (EPSD, 2004)، به دستاوردهای شورای اروپایی لیسبون در سال ۲۰۰۰ اشاره می شود که برای اولین بار ابعاد اجتماعی به عنوان بخشی از مدل توسعه پایدار مطرح شد. در جمع بندی کل مطالب ارائه شده در این شورا، چهار بعد برای پایداری اجتماعی مطرح گردید. این ابعاد شامل؛ تعهد نسبت به ارتقای آموزش، به ویژه مهارت‌های جدید مورد نیاز در زمینه «اقتصاد دانش محور»؛ بهبود خط مشی‌های اشتغال به طوری که باعث ایجاد «مشاغل بیشتر و بهتر» گردد؛ نوسازی در برنامه حمایت‌های اجتماعی به منظور انطباق با چالش‌های کنونی برنامه‌های رفاه اجتماعی «پرداخت دستمزدها» و افزایش برابری در سطح جامعه؛ بهبود استراتژی‌های مقابله با فقر و محرومیت‌های اجتماعی از طریق «بهبود وضعیت عدالت اجتماعی» در جامعه (ای. پی. اس. دی، ۱۸، ۲۰۰۴).

برای اجرایی کردن موارد فوق، در نهایت بنیاد «هانس-بوخلر-ستیفنونگ» (۲۰۰۱) تأسیس شد و اتحادیه تجارت آلمان بودجه آن را تأمین کرد. این بنیاد ابعاد اجتماعی مهم توسعه پایدار را چنین برشمرد: ۱. زندگی خودمختار ۲۷ از طریق تلفیق فعالیت‌های داوطلبانه و فعالیت‌های مبتنی بر دریافت دستمزد ۲. ارضای نیازهای اساسی انسان ۳. ایجاد نظام امنیت اجتماعی ۴. فرصت برابر برای برخورداری از جامعه دموکراتیک و اناسازی برای شکوفایی خلاقیت‌های اجتماعی.

پایداری اجتماعی تحت عنوان زندگی سالم و بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. در این تعریف، بقا و حیات جامعه، همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام‌های اقتصادی در جهت دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی است (GTZ, 2004, 2) در تعریف پایداری اجتماعی، گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده اشاره کرده‌اند: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این معنا، مؤلفه‌هایی چون فرصت‌های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان‌ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت‌های برابر برای تمامی افراد در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی به همراه امنیت امرار معاش و ایمنی سکونتگاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته‌اند. (DFID, 2002, 2). به علاوه، بسترسازی به منظور ظهور و بروز خلاقیت‌ها، بسیج آحاد مردم در جهت تأمین اهداف توسعه پایدار، و نیز اطمینان از «آینده‌ای بهتر برای همه» با تأکید بر رفاه مردم بومی و تأکید بر نقش حیاتی آنان در مدیریت محیطی و توسعه، از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (Moffatt, 1996, 35). در پایداری اجتماعی، منابع باید به گونه‌ای مورد بهره برداری قرار گیرند که نسل‌های آتی نیز قابلیت تصمیم‌گیری برای تأمین نیازهای خود را با بهترین سطح رضایت داشته باشند. در این تعریف سیاست برنده مورد تأکید تصمیم‌گیران با هدف دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی مورد نظر است (martin, 2001, 4). در رویکرد اجتماعی به توسعه پایدار، جایگاه مردم فقیر و نیازهای اساسی آنان در اولویت است. در این رویکرد، تأکید بر عدالت اجتماعی است. بدین ترتیب تأمین نیازهای مادی مردم از اولویت‌های توسعه پایدار است. جوامعی که در آن عدالت نباشد پایداری تیز وجود ندارد، زیرا چنین جوامعی زمینه بهره‌برداری گروهی خاص را از گروه‌های دیگر فراهم می‌کنند. بدین ترتیب در مبحث اجتماعی توسعه پایدار تأکید بر رفع بی‌عدالتی و بی‌تعادلی در سطح جوامع مورد توجه است. در توسعه پایدار با رویکرد اجتماعی دو مفهوم مشارکت و توانمندسازی جایگاه ویژه‌ای دارند (OVERTON, 1999, 7-8). گروهی نیز معتقدند که پایداری اجتماعی دربرگیرنده برابری، تأمین خدمات اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت، برابری جنسیتی، پاسخگویی سیاسی و مشارکت اجتماعی است (HARRIS, 2000, 6).

مفهوم پایداری اجتماعی عمدتاً با ابعاد کیفی همگام است و با مفاهیمی چون «زندگی انسانی» و «احساس رفاه» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. پایداری اجتماعی به معنای حفظ و بهبود بخشی سرمایه اجتماعی، یعنی شکل دهی جوامعی همگن و یکپارچه با منافع متقابل، دارای ارتباط و تعامل میان گروه‌های مردمی، جامع‌های دارای احساس ترحم، صبوری، قابلیت انعطاف و تابع عشق و وفاداری که گاه با سرمایه اخلاقی نیز همراه می‌شود. سرمایه اجتماعی به حقوق برابر انسان‌ها و مذاهب و فرهنگ‌ها و همچنین حفظ ارزش‌هایی که چنین شرایطی را در جوامع انسانی می‌پروراند، اطلاق (Goodland, 2003, 1-6). گاه در تعریف پایداری

اجتماعی بر خواست مردم به زندگی در مکانی معین اشاره می‌شود و بر توانایی آنان در استمرار چنین روندی چه در زمان حاضر و چه در آینده تأکید می‌گردد. (long,2003,5).

در مجموع پایداری اجتماعی را می‌توان فرایند و شرایطی دانست که دستیابی به موقعیت عادلانه اجتماعی را به منظور جذب و تثبیت ارتقای کیفیت زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجب می‌شود. طراحی فضایی که ظرف مناسبی برای جای دادن فرهنگ، رفتارها و روش‌های زندگی انسان‌ها باشد و عناصر زندگی‌ای که از مولفه‌های مذکور تشکیل می‌شود باید بتواند برای مدت طولانی در فضا حضور داشته باشد. ناگفته پیداست که فضای پایدار به لحاظ اجتماعی باید در کنار تقویت جریان زندگی، کیفیت آن را نیز بهبود ببخشد (مدنی پور، ۱۳۷۹). پایداری اجتماعی به طور عام، قابلیت ادامه فعالیت اجتماع را در طولانی مدت به منظور حفظ توان تعاملات، ارتباطات و ساختارهای اجتماعی و مشارکت گسترده ساکنان، و همزمان یکپارچه‌سازی اجتماعی را به منظور ارتقای کیفیت زندگی نشان می‌دهد.

۵-۵- پایداری اجتماعی در بافت فرسوده:

بافت‌های فرسوده از جمله یافت‌های شهری هستند که پایداری اجتماعی در آن‌ها با تهدید مواجه‌اند و معضلات زیادی گریبان آن‌ها را گرفته است، چرا که شش مؤلفه پایداری اجتماعی که در اینجا ذکر گردید، و در بافت‌های فرسوده وجود ندارند (از جمله عدالت و تامین نیازهای پایه) و یا در صورت وجود، با توجه به معضلات به وجود آمده در حال اضمحلال هستند.

طبق نظریه‌های اخیر طراحی شهری، محیط کالبدی می‌تواند بازدارنده و با تسهیل کننده رفتار خاصی باشد. در واقع، میزان استطاعت طرح کالبدی محیط در پذیرش رفتارها و فعالیت‌های گوناگون از یک سو و نیازها، مقاصد و انتظارات استفاده کنندگان از سوی دیگر، در شکل بخشی به الگوی رفتار در فضای شهر دخیل هستند. به بیان دیگر، تاثیر محیط کالبدی بر رفتارها، تأثیری احتمالی است (گلکار، ۱۳۷۸)، از این رو تاثیر مداخلات در بافت‌های فرسوده بر پایداری اجتماعی نیز، احتمالی است و می‌توان با مداخلات مناسب امکان وقوع پایداری اجتماعی را بیش تر کرد. بنابر این نوسازی محله‌ها را باید دارای جنبه اجتماعی قوی دانست به گونه‌ای که انتخاب روش‌ها و گزینه‌های مناسب مداخله با رویکرد پایداری اجتماعی می‌تواند خطر دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از جابه‌جایی جمعیت را کاهش دهد. در مداخله‌ای که بر مبنای معیارهای پایداری اجتماعی می‌تواند صورت می‌گیرد، احساس تعلق به مکان معنا پیدا می‌کند و مکان هویت می‌یابد. این امر در بسیاری موارد در جابه‌جایی‌های ناشی از شهرسازی تعویضی، این دیوارها و کالبدها نیستند که فرو می‌ریزند، بلکه سازمان اجتماعی-فرهنگی بافت است که از هم پاشیده می‌شود. به همان اندازه که بر پا ساختن دیوارهای نو ساده است، برپا داشتن سازمان اجتماعی جدید دشوار خواهد بود. گسست اجتماعی ناشی از فرو ریزی، عملاً به ناهنجاری‌های رفتاری، روانی، شغلی، هویتی و جز این‌ها می‌انجامد (هنرو، ۱۳۸۱).

مداخلات در بافت‌های فرسوده در دو بعد رویه‌ای و ماهوی قابل بررسی است. بخش عمده‌ای از شرایط لازم برای دستیابی به پایداری اجتماعی در بعد رویه‌ای جا می‌گیرد، از جمله تامین نیازهای پایه و یا عدالت که نیاز به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های

کلان در زمینه‌های فقر زدایی، بهبود وضعیت اقتصادی مردم، اشتغال زایی و وارد دیگر دارد. ابعادی نظیر توجه به اجتماعات محله-ای، مشارکت گسترده افراد و تقویت سرمایه‌های اجتماعی از دیگر جنبه‌های پایداری اجتماعی است که در بعد رویه‌ای جای می‌گیرند. باید توجه داشت که هرگونه مداخله در بافت‌های زنده شهری، بدون مشارکت ساکنان به نتیجه نمی‌رسد. امروزه مشارکت مردمی تعابیر متفاوتی پیدا کرده، که البته اغلب آن‌ها در واقع سوء تعبیر است. مشارکت به معنای واقعی آن، یعنی شرکت فعال شهروندان در حیات مدنی خویش در همه‌ی ابعاد اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و جز این‌ها (هنرور، ۱۳۸۱). اطلاع مردم از روندها و فرایندهایی که به توسعه محله و خانه آن‌ها منجر می‌شوند، باعث می‌شود که به طور مؤثرتری بتوانند در فرایند اجرای طرح پیشنهادی مشارکت کنند. از آنجا که مشارکت مردم ساکن محله در فرایندهای مختلف پیشنهادی طرح موجب افزایش سرعت، دقت و مطلوبیت اجرای پروژه‌ها و کاهش هزینه‌های نادرست و طراحی‌های نامناسب می‌گردد، تشویق تحریک مردم به همکاری با مجریان و یا هدایت کنندگان جریان توسعه محله از اهداف اصلی طرح قبل از اجرای آن به شمار می‌آید. مردم ساکن می‌توانند در فرایندهایی مانند: تجمیع، ساخت و ساز، مشارکت در ساخت، واگذاری مشروط، و جا به جایی یا تعویض خانه با خانه یا زمین مشارکت‌هایی مفید، مثبت و سود آور را تجربه کنند (شرکت مشاور دیارگاه، ۱۳۸۶). در بعد ماهوی می‌توان گفت که تا کنون به طور کامل و دقیق مؤلفه‌هایی که بر روی پایداری اجتماعی مؤثرند عنوان نشده‌اند و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد اما نمی‌توان گفت که یکی از عوامل تعیین کننده پایداری اجتماعی، کیفیت مکان و چگونگی توسعه آن است. مکان‌های خوب طراحی شده فوایدی بیش از افزایش ارزش اقتصادی دارند. خلق مکان‌های با کیفیتی که مردم خواهان زندگی و کار در آن‌ها هستند و دسترسی مناسبی به فضاهای باز، حمل و نقل عمومی، تسهیلات شهری و فرصت‌های شغلی داشته باشند، برای افرادی که در آن‌ها حضور می‌یابند، احساس امنیت بیش تری ایجاد می‌کنند. مطالعات صورت گرفته در خصوص محله‌هایی که خوب طراحی شده‌اند، نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت در فضاهای شهری به افزایش تفاخر مدنی، هویت اجتماعی، ثبات اجتماعی، ارتقای همبستگی اجتماعی، کاهش ترس از جرائم و کاهش میزان جرائم می‌انجامد (English partnerships, 2000, 100-106).

در نتیجه با به کار گیری طراحی شهری خوب و خلق مکان‌های با کیفیت شهری، بستر مناسبی برای حضور همه اقشار جامعه در فضا و رعایت اصل تعادل و مساوات فراهم می‌شود و اهداف و اصول پایداری اجتماعی در طراحی شهری دست یافتنی خواهد شد. اما نباید فراموش کرد که ارتقای کیفیت باید به گونه‌ای باشد که با شیوه زندگی ساکنان بافت‌های فرسوده را در پی دارد و در دراز مدت جابه‌جایی جمعیتی را به همراه خواهد آورد.

۶- معرفی محله امیرعرب:

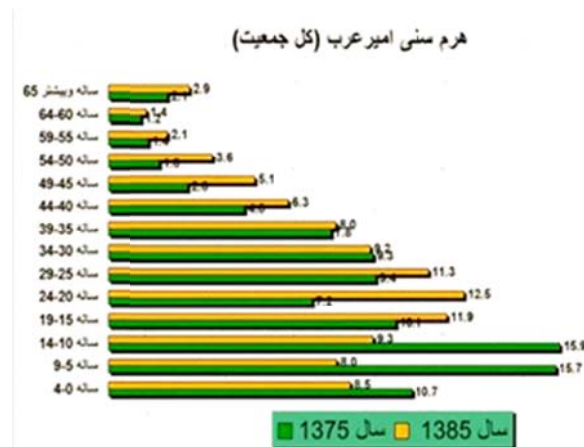
۶-۱- معرفی اجمالی محدوده طرح و موقعیت آن:

محدوده مورد مطالعه بخشی از بافت‌های شمالی خیابان بهارستان است که در منطقه ۱۲ شهر اصفهان وجود دارند که مرز آن از جانب شمال به اراضی اطراف، از شرق به خیابان مفتح و محله ملک شهر، از جنوب به خیابان بهارستان و از غرب با زمین‌های کشاورزی محدود می‌شود. این محله که عمدتاً در بیست سال اخیر شکل گرفته و گسترش قابل ملاحظه‌ای داشته است. این

محدوده با مساحتی ۱۰۰/۳ هکتار دارای تراکم جمعیتی حدود ۳۸۶ نفر در هکتار می باشد و بر اساس اطلاعات حوزه و بلوک سرشماری ۱۳۸۵ از کل مساحت این محدوده ۵۹/۶ هکتار دارای جمعیت می باشد.

۶-۲- مطالعات جمعیتی محله امیرعرب:

محدوده امیرعرب در سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیتی برابر ۲۳۱۵۱ نفر و تعداد ۶۰۴۹ خانوار می باشد که بر حسب آمار سرشماری همین سال دارای متوسط تراکم جمعیتی (نیمه خالص) از قرار ۳۸۶/۸ نفر در هکتار بوده است.



(تصویر شماره ۲: هرم سنی امیرعرب مأخذ- آمار سرشماری جمعیت و مسکن سال ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵)

۶-۳- سنجش و ارزشیابی بعد اجتماعی

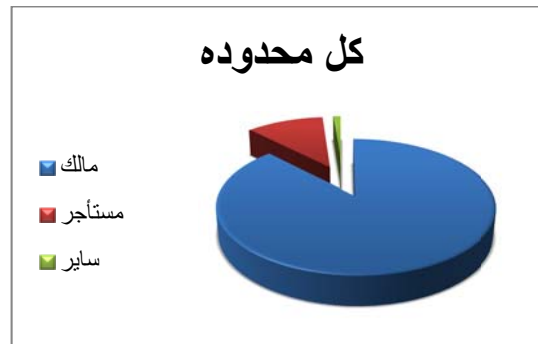
۶-۳-۱- مطالعه وضعیت سکونت:

بر طبق آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد واحد مسکونی در امیرعرب ۵۶۸۹ واحد بوده است که با توجه به تعداد ۶۰۴۹ خانوار حدود ۳۶۰ واحد کمبود وجود دارد. بر طبق آمار سال ۱۳۸۵ تعداد خانوار بر واحدهای مسکونی در برخی از بلوکها تا ۱/۴۳ خانوار در واحد مسکونی نیز می رسد.

(جدول شماره ۱: مشخصات جمعیتی و سکونتی محله)

جمعیت کل	تعداد خانوار	تعداد واحد	تراکم	تعداد واحد مسکونی	تعداد خانوار در واحد مسکونی
۲۳۱۵۱	۶۰۴۹	۳/۸	۳۸۶/۸	۵۶۸۹	۱/۰۶

(نمودار شماره ۱: توزیع نسبی مالکیت در محله)



(جدول شماره ۲: توزیع نسبی مالکیت خانوارهای ساکن در واحدهای مسکونی بر حسب نمونه - درصد)

نوع مالکیت	کل محدوده
مالک	۷۴
مستأجر	۲۴/۹
سایر	۱/۱
کل	۱۰۰

۶-۳-۲- امنیت محله:

عمده ترین معضلات اجتماعی به ترتیب: حضور معتادین، اوباش و فرهنگ پایین و دعوا و درگیری در محله ذکر شده است. ۵۵/۶٪ کلاً منطقه را خوب ارزیابی کردند. این عده جزو کسانی هستند که به امنیت خوب محله نیز اشاره نمودند.

۶-۳-۳- مکان ها و فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی:

در محله امیرعرب فضاهای عمومی که مورد استفاده ساکنین قرار می گیرند به دو دسته فضاهای مذهبی- فرهنگی و ورزشی- تفریحی قابل تفکیک هستند. براساس پیمایش و شناسایی کالبدی، فضاهای مذهبی- فرهنگی این محله عبارتند از مساجد و حسینیه ها. این محله فاقد کتابخانه، فرهنگسرا و ... می باشد. محله امیرعرب از لحاظ فضای سبز و فضاهای ورزشی از فقر شدیدی برخوردار است. فضاهای

سبز این محله فقط به ۲ قطعه بوستان رسالت که در تابستان ۸۷ احداث شده و بوستان بهاران که در پاییز ۸۷ احداث شده است محدود می شود. این فضاها نیز به دلیل ویژگی هایی که دارند (دور از دسترس بودن، کوچک بودن و ...) فقط توسط ساکنین همجوار می توانند مورد استفاده قرار گیرند و در حقیقت نقش پارک های محله ای را دارند.

۶-۳-۴- تمایل به مشارکت در نوسازی و بهسازی محله:

در این محله به ۳۹,۷ درصد از پاسخ دهنده گان که بیش ترین آن ها است حاضر به همکاری با شهرداری ها و دفاتر سازماندهی این بافت نبودند به دلیل نداشتن اعتماد و احساس امنیت بین آن ها. و همچنین حاضر به شرکت در اجتماعات محلی که متشکل از افراد ساکن در بافت هست برای بهبود وضعیت این محله نشدند. این آمار نشان دهنده مشارکت پایین مردم در نوسازی و بهسازی در محله می باشد.

۶-۳-۵- میزان تعلق به محله

از عوامل مهم میزان تعلق به محله می توان از مدت اقامت فرد در محله نام برد که باعث می شود تا حدی فرد در محله احساس تملک پیدا کند و خود را جزئی از محله بیندارد. این احساس تعلق با حس همبستگی و آشنایی با همسایگان، حس امنیت و نکات مثبت و یا منفی یک در ارتباط مستقیم است و نشان می دهد تا چه اندازه فرد می تواند به محله خود احساس وابستگی و تعلق خاطر داشته باشد. همان طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد محله امیرعرب یک محله تازه ساز است که به خصوص از سال های ۱۳۶۰ و به خصوص با پایان جنگ تحمیلی شکل گرفته است. بر اساس یافته های تحقیقات محلی تنها ۴/۸٪ از خانوارهای مورد مطالعه قبل از سال ۶۵ در این محله مستقر شده بودند. در حالی که حدود خانوارهای ساکن و پاسخگو بعد از سال ۱۳۸۰ به این محله آمده بودند. این مدت اقامت آن چنان که باید اجازه ایجاد تعلق خاطر به افراد را نمی دهد.

۶-۳-۶- نکات مثبت و منفی در محله:

(جدول شماره ۳: نکات مثبت محله از نظر ساکنان)

نکات مثبت محله	پاسخگویان	هیچ	همسایه خوب	در کل خوب	دسترسی به خدمات	امنیت
محله امیرعرب	۳۰۲	۱۱۳	۷۵	۷۶	۲۵	۱۳
درصد	۱۰۰	۳۷,۴	۲۴,۸	۲۵,۱	۸,۲	۴,۳

همانطور که مشاهده می شود بیشترین افراد پاسخ دهندگان در کل محله را خوب ارزیابی کرده اند و بیشترین آن ها به همسایه خوب اشاره کردند.

(جدول شماره ۴: نکات منفی محله از نظر ساکنان)

نکات منفی محله	پاسخگویان	هیچ	معضلات اجتماعی	عدم خدمت رسانی	مشکلات زیرساختی	نامشخص
محله امیرعرب	۳۰۲	۵۴	۸۱	۴۲	۳۳	۹۲
درصد	۱۰۰	۱۷٫۸	۲۶٫۸	۱۳٫۹	۱۰٫۹	۳۰٫۴

زمانی مشکلات و کمبودهای محله را می بینیم که اولویت ها بیشتر در مورد معضلات شهری (خرابی آسفالت ها، معابر نامناسب، ساخت و سازهای زیاد، نبودن خدمات، عدم توجه شهرداری، وجود زمین های بایر، جمع شدن آب در معابر، نداشتن بازارچه و ..) و سپس کمبود فضاهای تفریحی و فراغتی (کمبود امکانات تفریحی و فضای سبز، کمبود امکانات ورزشی)، مسائل اجتماعی (کمبود امکانات آموزشی، حضور اقوام گوناگون و افغانی ها، شلوغی محله و ..) و مسائل اقتصادی در مورد گرانی در مغازها ذکر می شود.

۷- نتیجه گیری:

نتایج حاصل از شناخت محله امیرعرب نشان می دهد که مؤلفه هایی از پایداری اجتماعی مانند مشارکت و امنیت و عدالت و میراث فرهنگی و زیستی در وضعیت مطلوبی نیستند و رو به تضعیف هستند و باید از پتانسیل ها و امکانات موجود و همچنین بلقوه استفاده کرد برای رفع این کمبودها و ساماندهی این بافت فرسوده. با توجه به شناخت حاصل از این محله بهترین کار بهره گیری حداکثری از پتانسیل های موجود و ارتقا مولفه های پایداری اجتماعی و اصول پایداری اجتماعی برای بهبود و بهسازی محله مانند حفظ هویت بافت، ایجاد فضاهای فراغتی و اجتماعی، ایجاد فضای سبز و همچنین کاربری های جدید و مورد نیاز در محله به جای ساختمان ای متروکه و مخروبه، رعایت عدالت در توزیع خدمات و زیرساخت ها. این پیشنهاد بر مبنای حفظ هویت اصلی بافت و اقدامات و دخالت های اصلاحی و توجه به نیازها و خواست های ساکنین به منظور جلب مشارکت بیش تر آن ها و جلب اعتماد و اطمینان آن ها برای استفاده از این سرمایه اجتماعی و افزایش هرچه بیش تر مشارکت آن ها با نهادها و مراکز ساماندهی این بافت می باشد.

۸- پیشنهادها:

- ایجاد کتابخانه در محله
- ایجاد امکانات تفریحی در محله

- کمک به ارتقا روحیه مشارکت در ساکنان از طریق جذب ساکنان در تشکلهای محلی و غیر دولتی
- رعایت عدالت برای تمامی سنین و زن و مرد در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی
- ایجاد مسکن ارزان قیمت و مناسب با شان افراد ساکن در محله
- ایجاد امنیت از طریق نورپردازی مناسب در شب و ساماندهی فضاهای تاریک و مخروبه که پاتوق معتادها نشود
- حفظ هویت و نشانهها در بافت

۹- منابع:

- [۱] حیدری، احمد، طبسی، ایمان، بافت‌های فرسوده شهری، ابعاد اجتماعی و فرهنگی (بازشناسی محدودیت‌ها و فرصت‌ها)، - همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری مشهد ۲۰ و ۲۱ آذر ماه
- [۲] کمالی خواه، عفت، تاثیرات ملاحظات پایداری اجتماعی در بازطراحی محله در بافت فرسوده نمونه موردی: بخش غربی محله سنگلج تهران، نشریه اینترنتی نوسازی، شماره ۲۰، مرداد ماه ۱۳۹۲
- [۳] اقبالی، ناصر، توسعه پایدار و شهرهای ناپایدار، روزنامه ایران، ۱/۱۰/۸۶، شماره ۱۸
- [۴] جاویدان، مجتبی، مروری بر چارچوب مفهومی و راهبردی شاخص‌های پایداری اجتماعی، گروه توسعه اجتماعی، شماره ۱۷۲
- [۵] داوودپور، زهره، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری راهبردی به سوی دستیابی به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده کوی سجادیه)